

A Comparison Between the Attitude to the Concept of Jihad in Salafism and New Salafism and Its Impact on Political Transformations in the Middle East

Mohamad Qaneei¹

Saeid Eslami²

Fatemeh Soleimani Poorlak³

1. PhD candidate, Political Science, Islamic Azad University, Chalous Branch, Chalous, Iran. m.ghanei47@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Chalous Branch, Chalous, Iran (**Corresponding Author**). eslameesaed44@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Chalous Branch, Chalous, Iran. m.soleimani@yahoo.com

Received: 9 December 2019; **Accepted:** 23 April 2020

Abstract

With the hypothesis of the influence of Jihad on the emergence of Jihadist new Salafism, the present study attempts to compare the concept of Jihad in the ideology of Salafists and new Salafists and its impact on the political transformation in the Middle East. This research seeks an answer to this question that what is the impact of change in the concept of Jihad from Ijtihadi Salafism to Jihadist new Salafism on transformations in the Arab Middle East. This study applied the methodology of historical sociology and documentary research method based on document (library) data. The results showed that Jihad along with other religious duties in the ideology of old Salafism used to be defined as hostile measures against nonbelievers (Kuffar), false Muslims (Munafiqin), and idolaters (Mushrikin) for achieving Islamic goals. However, Jihad for new Salafists is even more important than other prayers such as Namaz, fasting, and Hajj. The results of this conceptual change have led to the transformation of invitation to Jihad as practical Islam to new Salafism and juxtaposition between monotheism and heretical innovation and idolatry, heretical innovation in Muslim societies, idolatry (Shirk) in non-Muslim societies, increasing violence in Muslims societies specially the Middle East and also non-Muslim societies in forms of reactionary conflicts, ideological conflicts against Muslims, and denominational conflicts inside Muslim countries and bipolarization. The above results have prepared the context for the presence of trans-regional powers, the geopolitical change of power in the Middle East and in general lack of integrity in the Muslim World.

Keywords: Salafism, New Salafism, Middle East, Jihad (Struggling), Salafi Movement

مقایسه تحول نگرش به مفهوم جهاد در سلفیه به نوسلفیه و بررسی تأثیر آن بر تحولات سیاسی خاورمیانه

محمد قانع^۱

سعید اسلامی^۲

فاطمه سلیمانی پورلک^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، چالوس، ایران. m.ghaneei47@gmail.com

۲. دانشیار، دپارتمان علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، چالوس، ایران (نویسنده مسئول). eslameesaeed44@gmail.com

۳. استادیار، دپارتمان علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، چالوس، ایران. m.soleimani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۴

چکیده

پژوهش حاضر با فرض تأثیر جهاد در ظهور نوسلفیه جهادی، تلاش کرد به مقایسه مفهوم جهاد در اندیشه سلفیه و نوسلفیه و بررسی تأثیر آن در تحولات سیاسی خاورمیانه بپردازد. تحول در مفهوم جهاد از سلفیه اجتهادی به سلفیه جدید و جهادی چه تأثیری بر تحولات خاورمیانه عربی بر جای نهاده است؟ سوال اصلی این پژوهش بود. این پژوهش از روش جامعه‌شناسی تاریخی (از حیث روش‌شناختی) و همچنین روش اسنادی متکی بر داده‌های اسنادی (کتابخانه‌ای) بهره برده است. یافته‌ها نشان داد که جهاد در اندیشه سلفیه قدیم در عرض دیگر وجوب دینی، به‌عنوان اقدامات خصمانه علیه کفار، منافقین و مشرکین برای دستیابی به آرمان آنان تعریف می‌شده، لیکن نزد نوسلفیه، جهاد، از دیگر عبادت‌ها مانند نماز و روزه و حج مهم‌تر است. از این نظر نتایج حاصل از این تحول مفهومی، از مفهوم دعوت در سلفیه به جهاد به‌عنوان اسلام عملی در نوسلفیه و قرار دادن مفهوم توحید در مقابل دو مفهوم بدعت و شرک، بدعت در جوامع مسلمان و شرک در خارج از جوامع اسلامی به‌صورت مضاعف به بازتولید خشونت هم در درون جوامع مسلمان، خاصه در خاورمیانه و هم در درون جوامع غیرمسلمان، به‌صورت سه نوع ستیزش واکنشی، ایدئولوژیک علیه جوامع غیرمسلمان و ستیزش فرقه‌ای در درون جوامع اسلامی به قطبی‌سازی امت اسلامی، ایجاد زمینه برای حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تغییر ژئوپلیتیک قدرت در منطقه خاورمیانه و در نگاهی کلی‌تر تضعیف یکپارچگی جهان اسلام منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: سلفیه، نوسلفیه، خاورمیانه، جهاد، نهضت سلفی.

۱. مقدمه

نهضت سلفی که جنبش سلفی و سلفیه نیز نامیده می‌شود، جنبش احیاگرایانه در درون اسلام سنی است (Bernard, 2009, P.29) که در اواخر قرن نوزده در پاسخ به امپریالیسم اروپای غربی در مصر شکل گرفت. این جنبش ریشه در جنبش وهابی قرن ۱۸ داشت که در منطقه نجد عربستان سعودی مدرن منشاء گرفت (Tucker & Roberts, 2008).

در دفاع از بازگشت به سنت‌های سلف صالح، (سه نسل اول مسلمانان)، که آن‌ها به‌عنوان یک فرم ناب از اسلام، موعظه می‌کردند، دفاع می‌کرد. آن نسل شامل پیامبر اسلام (ص) و اصحاب وی (صحابه) و جانشینان آن‌ها (تابعین) و جانشینان جانشینان (تابعین تابعین) بودند.

آموزه سلفی مبتنی بر این است که مسلمانان به سنت سال‌های اولیه اسلام بازگردند تا بفهمند مسلمانان معاصر چگونه باید ایمان خود را عملی نمایند (Turner, 2014, P.125).

آن‌ها نوآوری مذهبی یا بدعت را رد کرده و از اجرای شریعت حمایت می‌کنند. این جنبش غالباً به سه دسته تقسیم می‌شود: بزرگ‌ترین گروه آنان از سیاست دوری می‌کنند. دومین گروه بزرگ، فعالین هستند که درگیر سیاست می‌شوند. گروه سوم جهادی‌ها هستند که اقلیت را تشکیل می‌دهند و از مبارزات مسلحانه برای بازگرداندن جنبش اولیه اسلامی حمایت می‌کنند (The economist, 2015).

اصطلاح «جهادی سلفی» و «جهادی - سلفیسم» اولین بار توسط محقق گیلز کپل^۱ در سال ۲۰۰۲ میلادی برای توصیف یک ایدئولوژی ترکیبی ساخته شده توسط داوطلبان بین‌المللی اسلام در افغانستان علیه شوروی ابداع شد (Kapel, 2002, P.75). بعدها این مفهوم توسط مارتین کرامر^۲ به‌عنوان یک اصطلاح آکادمیک به‌کاربرده شد.

از حیث جمعیت‌شناختی، اکثر سلفی‌ها در قطر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی ساکن

1. Gilles Kepel.

2. Kramer.

هستند. ۴۶,۸۷ درصد از قطری‌ها و ۴۴,۸ درصد از اماراتی‌ها سلفی می‌باشند. سلفی‌ها «اقلیت مسلط» در عربستان سعودی هستند. ۴ میلیون سلفی سعودی ۲۲,۹ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند. آن‌ها در نجد متمرکز شده‌اند. در مقابل، بحرین ۵,۷ درصد و کویت ۲/۱۷ درصد سلفی دارند. اخیراً ادبیات سلفی یا عقاید بنیادگرایان در ترکیه نیز مقبولیت خاصی کسب کرده است. (Middle East Institute, 2108). درباره زمان ظهور این جریانات میان تحلیل‌گران اتفاق‌نظری وجود ندارد، اما تمرکز اصلی غالب نویسندگان بر دوران سقوط طالبان و جنبش بیداری اسلامی است. هدف این پژوهش نیز مقایسه مفهوم جهاد در اندیشه سلفیه و نوسلفیه و بررسی تأثیر آن در تحولات سیاسی خاورمیانه است.

فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که چگونه تغییر نگرش از مفهوم جهاد، از سلفیه به نوسلفیه، به تشدید خشونت هم در جوامع مسلمان و هم در جوامع غیرمسلمان انجامیده است. پژوهش پیش‌رو از نظر هدف «کاربردی» و از نظر روش، «تبیینی-تحلیلی» و از حیث محتوی کیفی است. جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر اصول نظری اکتشافی به روش کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. اطلاعات با مراجعه به کتب، نشریات و سایت‌های علمی مرتبط، فیش‌برداری و دسته‌بندی شده است.

چارچوب نظری این پژوهش متکی بر روش جامعه‌شناسی تاریخی است. فیلیپ ادامز^۱ در تعریف خود از جامعه‌شناسی تاریخی آورده است: جامعه‌شناسی تاریخی، قضاوت درباره تاریخ و پرداختن به تلاشی است که انسان‌ها برای ساختن آینده با توجه به گذشته انجام می‌دهند. در این فرایند است که گذشته تنها ماده خامی تلقی می‌شود که رخدادهای زمانه از درون آن می‌جوشد (رشیدی، ۱۳۹۴: ص ۲). جامعه‌شناسی تاریخی واجد سه رویکرد کلان‌نگر تاریخی برای تمدن‌ها، تفسیری برای تحلیل یک دوره خاص و تبیین‌گرا برای وقایع خاص است. پژوهش حاضر در بخش توصیف و پاسخ به سؤال اول پژوهش متکی بر جامعه‌شناسی تاریخی کلان‌نگر و تفسیرگرا

1. Philippe Adams.

و در بخش پاسخ به سؤال دوم پژوهش تبیین گرا است.

در بررسی رویکردهای نوسلفی‌گری همچون داعش و سایر گروه‌های تکفیری، شهبازی (۱۳۹۸)، نویسنده کتاب «فراسوی سازمان و ایدئولوژی داعش» با استفاده از مفهوم کینه‌توزی به‌عنوان چارچوبی نظری، تصویری از تحولات تاریخی روان‌شناختی نوسلفی‌گری در سوریه و عراق از ابتدای اعتراضات سنی‌های شمال عراق تا تأسیس سازمان داعش به دست داده است.

ذاکری (۱۳۹۵)، نویسنده کتاب «بربریت مدرن» معتقد است، تنش‌های قومی و قبیله‌ای در شمال عراق و خلاء قدرت ناشی از تسویه ارتش توسط دولت مرکزی پس از خروج آمریکا فرصت را برای هسته‌های پنهان نوسلفی‌گری ایجاد کرده است.

محمدی (۱۳۹۶)، نویسنده کتاب «نقد و بررسی آراء و جنایات داعش»، در بررسی آراء و اندیشه‌های داعش و نیز عملکردهای ایشان به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین گروه‌های تکفیری و پیشروان نوسلفی‌گری معتقد است تفسیرهای نوین مجتهدین نوسلفی‌گری همچون جهاد نکاح، غنیمت گرفتن زنان و اموال مخالفان فکری و ایدئولوژیکی ولو از فرق یا گرایش‌های دیگر اسلام، مباح خواندن خون اعضاء و افراد خارج از حیطه داعش منجر به ملتهب شدن منطقه خاورمیانه شده است.

رودسری (۱۳۹۴)، نویسنده کتاب «امارت تاریکی» معتقد است، برای شناخت جریان‌های نوسلفی‌گری همچون داعش، باید به زمینه‌های ظهور ایشان توجه کرد.

عبدالملکی (۱۳۹۶)، نویسنده کتاب «تحلیل روان‌شناختی پدیده داعش با تأکید بر روان‌شناسی سیاسی» درصدد شخصیت‌کاوی گرایش‌های روان‌شناختی مسلط در سازمان داعش است. ایشان آراء سلفیسم را فرع موضوع می‌دانند و اصالت را به گرایش‌های روان‌شناختی مسلط در شخصیت رهبران داعش می‌دهند.

ترنر^۱ (۲۰۱۴)، در اثری با عنوان «سلفیه جهادی» تأثیر آن را بر روابط بین‌الملل مورد بررسی

1. Turner.

قرار داده است.

کیپل^۱ (۲۰۰۲)، نیز در اثری با عنوان «تبعات اسلام سیاسی» که در موسسه مطالعات خاورمیانه در سال ۲۰۱۸ بازنشر شد، ریشه‌های این جریان را مورد واکاوی قرار داده است. داریون رودز^۲ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان «سلفیست تکفیری» این جریان را از منظر جنبش مورد ارزیابی قرار داده است. با دقت در پژوهش‌های یاد شده ملاحظه می‌شود که از حیث شکاف نظری پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین (حداقل پژوهش‌هایی که پژوهشگر به آن دسترسی داشته)، ظهور نوسلفیه و تحولات خاورمیانه از منظر تحول در نگرش نظری ناشی از جهاد از سلفیه به نوسلفیه مورد ارزیابی و تحقیق قرار نگرفته است.

۲. ظهور تاریخی سلفیه

اگر بیان فیلسوف و مورخ معروف انگلیسی «اریک هابسبام»^۳ را بپذیریم که «تاریخ را اتفاقات بزرگ می‌سازند»، از این منظر ظهور سلفیه را می‌توان با ظهور اتفاقات و بحران‌های بزرگ ارزیابی کرد. در تحقیقی با عنوان «ظهور و سقوط داعش» که در سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷ در بنیاد هیگ^۴ به چاپ رسیده (Oosterveld & et.al., 2017) ظهور بنیادگرایی سلفی به تنش میان اسلام و غرب مقارن شکست مصر از ناپلئون مرتبط دانسته شده است. در این تحقیق صریحاً اشاره شده که ظهور سلفیه و نوسلفیه از نوع داعش ناگهانی نبوده است. به بیان این پژوهش چند عامل در ظهور سلفیه و نوسلفیه دخیل و مؤثر بوده است، رونق بهای نفت در دهه ۷۰ میلادی، انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و سپس حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ و جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ (Oosterveld & et.al., 2017).

1. Kepel.

2. Rhodes.

3. Eric John Ernest Hobsbawm.

4. Hague Centre for Strategic Studies.

گرچه تأثیر حمله روسیه (شوروی) به افغانستان مقارن انقلاب اسلامی و سپس خروج از افغانستان را به عنوان عامل تأثیرگذار بر ظهور القاعده نمی توان انکار کرد.

۳. اختصاصات روش شناختی نوسلفی

سلفیان روش شناسی ویژه ای در جستجو و فهم درست دین به تعبیر خودشان دارند. به نظر آنان، تنها روش شناسی برای تشخیص تفسیر درست شریعت، ابتنای این تفسیر بر قرآن، سنت و سیره مسلمانان اوایل است. شافعی علم ناشی از این سه منبع را علم با احاطه می دانست (فیرحی، ۱۳۹۰: ص ۷۹)، اما به نظر می رسد که وجه تمایز سلفیان قدیم و جدید تعریف خاصی است که نوسلفیان از مفهوم بدعت دارند، این تعریف خاص از «بدعت»، تقابل سنت، بدعت و سرانجام میل به تکفیر غیرسلفیان از مسلمانان را در بر می گیرد. فیرحی در کتاب «فقه و سیاست در ایران معاصر» اختصاصات روش شناختی نوسلفیه را این گونه دسته بندی می کند: اصول نظری نوسلفیه، تزکیه، توحید در مقابل شرک، تقدیم نقل بر عقل، رد تأویل کتاب و سنت، فراوانی استناد به آیه و حدیث، اتباع در مقابل ابتداع/ بدعت (فیرحی، ۱۳۹۰: ص ۸۰). از حیث اصول عملی، دو اصل شاخص عمل سلفی ها است:

۱. برخی جریانات سلفی دعوت یعنی امر به معروف و نهی از منکر را مبنای عمل خود قرار دادند. سلفیه، مهم ترین معروف را توحید و خروج از شرک می دانند.
۲. برعکس برخی از سلفیه جهاد را اساس اسلام عملی می دانند ... این گروه از نوسلفی ها امروزه با نام اسلام جهادی، مجاهدین، گروه های جهادی تکفیری و در اصطلاح غربی ها اسلام رادیکال خوانده می شوند (فیرحی، ۱۳۹۰: ص ۸۱). لورنس دیویدسون^۱ نیز اصول نظری و عملی مشترکی را میان جریان های سلفی و بنیادگرا در جهان اسلام دسته بندی کرده است.
۱. اغلب جریان های سلفی بر این باورند که جهان اسلام در یک وضع بی نظمی و اغتشاش به

1. Lawrence Davidson.

سر می‌برد و این زمانی آغاز شد که ارزش‌های اسلامی به فراموشی سپرده شد.

۲. این زوال، خود زمینه‌ساز تهاجم غرب به سرزمین‌های اسلامی شده است.

۳. برای خروج از این وضعیت، مردم جهان اسلام باید دوباره اسلامی شوند.

۴. تنها راه احیای مجدد اسلام، سیاسی کردن دوباره اسلام است. از نگاه آنان اسلام با رد طاغوت یا خدایان باطل و فاسد شروع می‌شود. غرب و غرب‌گرایان در جهان کنونی نماد طاغوت هستند (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۲).

۳-۱. جهادگرایی

جهادگرایی مهم‌ترین وجه مشخصه نوسلفی‌ها است. نصوص دین در تمدن اسلامی، بر رفتار مسلمانان تأثیر اساسی دارد. بنابراین، نوع تفسیر از مذهب، تعیین‌کننده رفتار مسلمانان در حوزه جنگ نیز است. جهاد یکی از فروع ده‌گانه دین اسلام به شمار می‌آید. جهاد در فقه اسلامی، بر دو گونه «اولیه و دفاعی» تقسیم شده است. در این فقه، آیات مربوط به جهاد، ناسخ آیات قبلی است و به اصالت جهاد ابتدایی حکم داده می‌شد، اما در فقه تشیع و اهل سنت، روایت‌ها و تفاسیر جدیدی از جهاد مطرح شده و جهاد بیش‌تر ماهیت دفاعی یافته است (فیرحی، ۱۳۸۷: ص ۱۳۶). جهاد در فقه شیعه دارای شرایطی همچون «حضور یا اذن امام معصوم و یا نماینده ایشان» است و تفاوت‌های خاصی با جهاد در فقه کلاسیک اهل سنت دارد. همچنین جهاد در رکاب حاکمان جائز، منتفی است. این در حالی است که مفهوم «جهاد» در ایدئولوژی نوسلفیه، اهمیت بسیار بالایی دارد، به‌طوری که آن را از سایر عبادت‌های دینی، مانند نماز و روزه و حج مهم‌تر می‌دانند. آن‌ها معتقدند، مسلمانانی که در عمل و نظر به جهاد نپرداخته‌اند، اسلام را درک نکرده‌اند (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ص ۱۱). به نظر نوسلفی‌ها، نه‌تنها عبودیت خدا بدون جهاد محقق نمی‌شود، بلکه جهاد بالاترین مرتبه عبودیت است. این جریان همواره می‌کوشد تا جهاد را به مسأله اصلی اسلام تبدیل کند. نوسلفیه، پس از آن‌که بخش گسترده‌ای از مسلمانان غیرسلفی و دیگران را در جرگه کفر قرار دادند، کشتن آن‌ها را بر خود فریضه می‌دانند. آن‌ها این کشتار را «جهاد» معرفی می‌کنند. نوسلفیه در کشتار غیرسلفی‌ها به‌ویژه شیعیان، به هر ابزاری متوسل

می‌شوند و ترور غیرنظامیان را موجه می‌دانند و برای آن توجیهات شرعی مطرح می‌کنند. از حیث نظری چنین نگرشی را باید در نظرات و فتاوای امامان اهل سنت به‌ویژه مالکی، حنبلی و وهابی جستجو کرد. ازجمله ابن تیمیه که شیعیان را بدتر از صلیبی‌ها می‌داند، عبدالوهاب شیعیان را مشرک می‌داند و یا شاه ولی‌الله دهلوی که شیعیان را به‌واسطه تفسیر سرزنش می‌کند (Rajan, 2015).

مسأله دیگر طاغوت است که به معنای حکومت غیر خدا بر مردم می‌باشد. این مفهوم نیز یکی از مؤلفه‌های سلفی‌گری جهادی بوده و بر طبق آن «مسلمان وظیفه دارد چنین حکومتی را نپذیرد و برای سقوط آن تلاش کند تا با کنار زدن دولت‌های طاغوتی و لائیک، دولت اسلامی تشکیل شود» (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۹). به عقیده سید قطب، جاهلیت قرن بیستم نسبت به انواع آن در گذشته بسیار عمیق‌تر و وسیع‌تر است و نیز تلاش‌های پیامبر(ص) برای از بین بردن دشمنانش بسیار آسان‌تر از تلاش‌هایی است که باید برای پایان دادن به جاهلیت در عصر حاضر صرف شود. وی دلیل این امر را حضور دو دسته از دشمنانی می‌داند که مؤمنان باید با آن مبارزه کنند، که عبارتند از: دشمنان خارجی (به‌طور عمده منظور نفوذ فرهنگ غربی و حضور فیزیکی نیروهای فرا منطقه‌ای و استعمارگر است) و دشمنان داخلی که عبارت است از کسانی که در میان دنیای اسلام زندگی می‌کنند، اما هیچ باوری به اسلام ندارند و به‌طور عمده منظور حاکمان غیر اسلامی است (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۴: ص ۲۱). عبدالسلام فرج (۱۹۸۱) در کتاب «الجهاد الفریضه الغائبه» جهاد را به‌عنوان فریضه‌ای که فراموش شده است، طرح کرد.

۳-۲. خود مرجع انگاری (اجتهادگرایی)

یکی از مبانی اندیشه‌های نوسلفی‌ها که در نوع خود مقوم تحول در مفهوم جهاد است، نفی تقلیدگرایی و پیروی از «اصل اتباع در مقابل ابداع» می‌باشد. آن‌ها معتقدند که از نص قرآن باید تبعیت کرد و اضافه کردن هر چیز جدیدی به آن بدعت محسوب می‌شود، زیرا نص وجود داشته و در دسترس است. لذا، احتیاجی به تفسیر و توضیح آنچه می‌گوید، نیست. بنابراین، نص‌گرایی نقطه عزیمت نوسلفیسم است. در نتیجه در ساحت عمل سیاسی نیاز به تقلید و اجازه جهاد ندارند

و خود مستقیماً وارد عمل می‌شوند. این مؤلفه پیامدهای سیاسی مهمی دارد، چراکه شاهد ظهور جریان‌های سلفی جدیدی خواهیم بود و این دقیقاً در مقابل تفکر سلفی‌های گذشته است. در تفکر سنتی هر عملی نیاز به اجازه عالمان سنی داشت و این اجازه می‌توانست از رادیکال شدن افراد عادی جلوگیری کند. در حالی که در شرایط کنونی از منظر برخی جریان‌های سلفی جدید «اِذن» معنا ندارد و شخص، مستقیماً به نص مراجعه کرده و به همان ظواهر فهم شده از نص عمل می‌کند (خراسانی، ۱۳۹۳: ص ۳۲۹).

۳-۳. رفتار شبکه‌ای

یکی دیگر از مهم‌ترین اختصاصات روش‌شناختی گروه‌های نوسلفی عملکرد شبکه‌ای آن‌ها است. گرچه جنبش‌های نوسلفی امروزه در سراسر جهان فعال هستند، اما بیش از آنکه این جریان‌ها در عمل سازمانی موفق باشند، شکل شبکه‌ای دارند (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۶، ص ۱۷۶). این عملکرد شبکه‌ای تا حد زیادی ناشی از تقلیدگریزی این جریان‌ها و در پیوند با ویژگی خودمرجعی آن‌ها است. این رفتار نیز در نوع خود به جهاد در نظریه نوسلفیه کمک کرده است. بدین معنا که سلفی‌های هر کشور درون مرزهای همان کشور عمل کرده و سعی می‌کردند از طریق تهدید رهبران ملی و یا اعمال تروریستی به اهدافشان برسند؛ اما امروزه سبک مبارزه متفاوت و به نوعی بین‌المللی و به صورت شبکه‌ای و فراتر از سطح ملی در نزد نوسلفیه مبدل شده است (خراسانی، ۱۳۹۳: ص ۳۳۵).

۴. نوسلفیه و تحول در نگرش به جهاد

به نظر می‌رسد تحول در مفهوم نظری و کاربردی جهاد تحول و تنوع در ستیزش جهادی را فراهم کرده است:

الف. ستیزهای واکنشی: این نوع از خشونت، اقدامی برنامه‌ریزی شده محسوب نمی‌شود و به طور معمول، به اقداماتی اشاره دارد که گاه‌به‌گاه و در واکنش به اقدامات خشونت‌بار و سرکوب‌گر حکومت‌ها، از سوی اعضای جنبش‌های اسلامی، همچون اخوان المسلمین صورت گرفته است (نقوی، ۱۳۸۴: ص ۶).

ب. ستیزهای ایدئولوژیک: در این شکل از ستیز، برخلاف نوع نخست، خشونت سازمان یافته است، بدان معنا که در چارچوب راهبرد کلی جنبش‌های اسلامی و برای سرنگونی رژیم‌های سیاسی به کار گرفته می‌شود. جنبش‌های اسلامی معاصر، به‌خصوص از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد، از این نوع خشونت ایدئولوژیک استفاده کردند که بارزترین آن‌ها القاعده و در شرایط فعلی داعش و جبهه النصره است (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ص ۱۳۶).

ج. ستیزهای فرقه‌ای: نوع سوم ستیز و خشونت که آن را به خشونت فرقه‌ای تعریف و تعبیر می‌کنند، برخلاف دو نوع دیگر، هم به لحاظ اهداف موردنظر و هم به لحاظ دامنه تلفات، بسیار گسترده‌تر است. درواقع دو نوع خشونت و ستیز واکنشی و ایدئولوژیک، جنبش‌های اسلامی مقامات غربی و رژیم‌های عربی و یا مراکز امنیتی آن‌ها را هدف قرار می‌دادند و از کاربرد خشونت علیه مردم عادی پرهیز می‌کردند؛ اما در نوع سوم خشونت که اقدام تروریستی است، شهروندان و غیرنظامیان نیز هدف عملیات خشونت‌بار گروه‌های اسلامی تندرو قرار می‌گیرند. بدین خاطر می‌توان آن را خشونت فرقه‌ای ناشی از تعصبات قبیله‌ای-هرچند در چارچوب ابزار نوین- قلمداد کرد که بارزترین نمونه آن داعش است. حملات سلفی‌ها در پایان قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ به مکان‌های مقدس در عراق و کشتار مسلمانان سرآغاز این نوع تعصب و خشونت فرقه‌ای است. این نوع از ستیز در قرن ۲۰ میلادی نیز علیه مکان‌های مقدس در جزیره‌العرب و سایر نقاط منطقه تداوم پیدا کرد (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ص ۲۲۶).

۵. آسیب‌شناسی تأثیر تحول نگرش از مفهوم جهاد بر افزایش خشونت‌های مذهبی در خاورمیانه

در منطقه خاورمیانه دولت‌های شکننده (همچون پاکستان، افغانستان، عراق، سوریه و یمن) و در معرض هشدار شکنندگی (همچون مصر و لیبی) وجود دارند (Messner, 2015) که مأمّن و محیط گسترش بی‌ثباتی به کشورها و مناطق دیگر هستند. همچنین دولت‌های ضعیف دیگری نیز هستند که کنترل چندانی بر قلمرو خود ندارند. در نتیجه خاک این کشورها محل مناسبی برای آموزش، عضوگیری و محل سکناى افراط‌گرایان شده است. این کشورها

همسایگان خود را همچون ایران و ترکیه نیز در معرض سرایت بی‌ثباتی سیاسی قرار داده‌اند. افزون بر این در تمام منطقه خاورمیانه مشکلات قومی، سیاسی و مذهبی وجود دارد که به‌خودی‌خود می‌تواند منشاء اختلاف و تفرقه مداوم باشد. با تمرکز بر تأثیر نوسلفی‌گری جهادی بر احتمال بروز بی‌ثباتی‌های سیاسی، به بررسی بیشتر این موضوع در منطقه خاورمیانه خواهیم پرداخت.

۵-۱. افزایش منازعات منطقه‌ای و احتمال بروز جنگ‌های بین‌المللی

با وجود مشکلات زیاد در منطقه، در حال حاضر، چهار جنگ داخلی (جنگ داخلی عراق، سوریه، یمن و لیبی) در جریان است که در آن‌ها حضور افراط‌گرایان و نقش آن‌ها بسیار برجسته است. این در حالی است که به‌زعم بسیاری، یک جنگ داخلی هرچه بیشتر ادامه یابد، احتمال سرایت آن به همسایگان بیشتر می‌شود و به سمت ایجاد خشونت بیشتر و گسترده‌تر حرکت می‌کند. دولت‌های همسایه اغلب به دلیل مداخله برای کمک به یکی از طرفین درگیری یا پناه‌گیری معارضان در خاک آن‌ها و توزیع تدارک و سازمان‌دهی حملات خود از آنجا، به جنگ‌های داخلی کشیده می‌شوند (Walter & Pollak, 2015: P.32).

هم‌چنین، جنگ‌های داخلی می‌توانند اثر مسری داشته باشند، به این معنی که مشکلات ناشی از جنگ داخلی یک کشور (مانند تروریسم، آوارگان، جدایی‌طلبی، رادیکالیزه شدن مردم کشورهای همسایه، اختلال در سیستم اقتصادی) از مرزها فراتر رفته و زمینه‌های بروز جنگ داخلی در آنجا را فراهم می‌کند. به‌ویژه منطقه خاورمیانه که در مقابل این مسئله آسیب‌پذیر است، زیرا مرزهایش بسیار قابل نفوذ بوده، چراکه گروه‌های قومی-فرقه‌ای اغلب در نواحی مرزی زندگی می‌کنند و حکومت‌ها به‌طور عمده در کنترل و مهار آن‌ها ضعیف هستند (همان).

برای مثال، بروز خشونت‌ها در سوریه به همراه مسائلی در جامعه عرب (ازجمله حمله دولت‌های عربی به نوری مالکی نخست‌وزیر شیعه عراق و ضعف نیروهای امنیتی عراق)، ظهور دوباره داعش در مرز سوریه و پایگاه اصلی‌اش یعنی عراق را تسهیل کرد (Katzman, 2014).

۲-۵. تهدید تروریستی به مثابه بی‌ثباتی سیاسی

درواقع، یکی از اولین مصادیق بی‌ثباتی سیاسی، اقدامات تروریستی است که شامل موارد مختلفی همچون حمله مسلحانه به مراکز دولتی یا اماکن عمومی، بمب‌گذاری و از جمله بمب‌گذاری انتحاری، تهدید ارزش‌های اساسی یک جامعه و یا حملات به شهروندان است (Hurwitz, 1973: P.451). منطقه خاورمیانه نیز در سال‌های اخیر شاهد موارد فراوان حملات تروریستی از طرف افراط‌گرایان اسلامی بوده است. البته در ابتدا این حملات بیشتر متوجه نیروهای اشغال‌گر خارجی مانند ایالات متحده بود، اما موفقیت اقدامات تروریستی و تأثیر زیادی که در رسیدن به اهداف سیاسی داشتند، موجب گسترش این‌گونه فعالیت‌ها شده است. در واقع، تأثیر روانی این فعالیت‌ها معادل و حتی شاید بیش از نتایج حمله مستقیم بوده است (Chaliand & Bilin, 2007: P.222-223).

برای مثال، فعالیت‌های تروریستی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳، پنج برابر شده است که دلیل اصلی این آمار مربوط به خاورمیانه و کشورهایی است که تکفیری‌ها در آن فعالیت بیشتری دارند. به‌طور مثال، در سال ۲۰۱۳، ۸۲ درصد قربانیان فعالیت‌های تروریستی از کشورهای عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه بوده‌اند که عاملان اصلی آن، گروه‌های تکفیری هستند. این در حالی است که در سال ۲۰۱۲، تعداد قربانیان ۵۲ درصد کمتر از سال ۲۰۱۳ بوده است (Global Terrorism Index, 2014: P.25). علاوه بر این، در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، بر تعداد حملات تروریستی افزوده شده و دامنه آن گسترش قابل توجهی پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۵، تروریست‌های تکفیری برای اولین بار در کویت، بحرین، ترکیه، فلسطین و عربستان اقدامات مخربی انجام دادند و فعالیت آن‌ها در کشورهای مصر، لیبی، تونس و یمن نیز به ترتیب افزایش یافته است. همچنین در سال ۲۰۱۶، ترکیه چندین بار مورد حمله تروریستی داعش قرار گرفت. این گروه تکفیری شیعیان و مراکز مقدس آنان را تهدید به نابودی کرده است. بنابراین، می‌توان گفت با تداوم روند کنونی، منطقه بحران‌زده خاورمیانه در آینده با مسائل بیشتری از این

نوع روبه‌رو خواهد بود. در سال ۲۰۱۷، محققان کنسرسیوم ملی مطالعه و پاسخ به تروریسم یا استارت^۱ (که در دانشگاه مریلند برگزار شد)، به ABC News گفتند که در سراسر جهان مسلمانان به‌طور قطع، محتمل‌ترین افراد قربانی حملات تروریستی هستند. ویلیام برنیف^۲، مدیر اجرایی استارت، توضیح داد که اطلاعات تیم وی نشان می‌دهد که اکثر حملات تروریستی در کشورهای با اکثریت مسلمان رخ می‌دهد و اکثر قربانیان تروریسم مسلمان هستند (Herrera, 2019). علاوه‌بر این، آمار نشان می‌دهد در سال‌های اخیر از ۱۰ کشوری که مورد حمله تروریستی داعش قرار گرفتند، ۷ کشور با اکثریت مسلمان بودند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۳/۹/۲۱). مقاله رز بوچانان^۳ در روزنامه ایندپندنت^۴ نیز نشان می‌دهد که: داعش در حمله پاریس ۱۲۹ کشته برجای گذاشت؛ اما آمارهای مرکز استارت نشان می‌دهد که داعش به‌عنوان بزرگ‌ترین بازیگر مرگ در جهان، تنها در ۸ ماه اول سال ۲۰۱۴ تعداد ۹۴۳۴ نفر از غیرنظامیان مسلمان در عراق را به قتل رسانده است (Bouchanan, 2015).

۳-۵. دولت‌سازی در مناطق آشوب‌زده (تحول از جنبش به دولت)

اگرچه از ۲۵ سال پیش تاکنون تلاش برای تشکیل شبه دولت‌ها ویژگی ثابت جهادگرایی معاصر بوده است، اما پس از سال ۲۰۱۱، در خاورمیانه چنین تلاش‌هایی چند برابر شده و نسبت به گذشته در حوزه‌های بیشتری موفق بوده است. در واقع، در این مدت شورشیان جهادی به‌دفعات تشکیل «دولت‌های اسلامی» یا امارت‌های اسلامی در مناطق بسیاری از جهان اسلام را اعلام کرده‌اند، از جمله در افغانستان، پاکستان، قفقاز، یمن، سومالی، عراق، سوریه، غزه، شبه‌جزیره سینا، قاهره، لیبی و شمال مالی. تعداد بسیار کمی از شبه دولت‌ها توانسته‌اند بیش از چند سال دوام

1. START.

2. William Braniff.

3. Rose Troup Buchanan.

4. The Independent NewsPaper.

داشته باشند و هیچ‌کدام به‌طور کامل بر سرزمین خود کنترل نداشته‌اند (Lia, 2015: P.32). اما دولت اسلامی عراق و شام (داعش) توانست در سایه بی‌ثباتی سیاسی در عراق و سوریه و خلأ قدرت، مناطق وسیعی در مرز این دو کشور را تصرف کرده و خلافت خود خوانده‌اش را تشکیل دهد. از سال ۲۰۱۳، جنگجویان داعش توانستند از سوریه به‌عنوان پایگاهی برای حمله به عراق و نیز انجام عملیات موازی استفاده کنند. حملات به شمال و مرکز عراق، توسط شورشیان اسلام‌گرای سنی و گروه تروریستی داعش نگرانی‌هایی در مورد احتمال گسست نظم سیاسی و تمامیت ارضی عراق و تأسیس مرکز بالقوه حملات در منطقه خاورمیانه ایجاد کرد (Katzman, 2014). در واقع، داشتن سرزمین و فضای مناسب فعالیت و رشد گروه‌های تروریستی در کشورهای درگیر جنگ و فاقد دولت مقتدر، معادل افزایش قدرت، امکانات، سازمان‌دهی و کسب درآمد گروه‌های افراط‌گرای اسلامی بوده که برآیند آن تهدید بزرگی برای ثبات سیاسی در تمام منطقه خاورمیانه است (کرم‌زادی، ۱۳۹۵: ص ۱۳۱).

۴-۵. افزایش نقاط بحرانی در خاورمیانه (استقرار در مناطق بحران‌زده و ناآرام)

استراتژی داعش استقرار در مناطق بحران‌زده است. از این نظر افزایش مناطق بحران‌زده در لیبی، یمن، افغانستان، به‌ویژه سوریه و عراق، در راستای خواست استراتژیک داعش است. از این نظر تثبیت قدرت داعش در عراق می‌توانست در عمل منجر به تقسیم عراق به سه کشور (کشور کردها، شیعیان و اهل سنت) شود. گرچه به نظر می‌رسد بعد از اقدام نظامی ایالات متحده، علیه فرماندهی سپاه قدس و فرد دوم حشدالشعبی در ژانویه ۲۰۲۰ در نوع خود می‌تواند منجر به بروز ناآرامی‌های بیشتر، بازگشت داعش به عراق و سوریه و یا حتی در بدبینانه‌ترین شکل، به تجزیه عراق منتهی گردد. طرح سه منطقه‌ای شدن عراق پیش‌تر توسط جو بایدن^۱، معاون رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۰۶، زمانی که عضو ارشد کمیته روابط خارجی سنا بود، مطرح شد. البته

1. Joseph Robinette Biden.

در آن زمان وی خواستار اعطای خودمختاری گسترده به گروه‌های قومی- مذهبی کردها، سنی‌های عرب و شیعیان عرب در مناطق خودشان تحت حکومت مرکزی بغداد بود و حکومت مرکزی باید به دفاع از مرزها، سیاست خارجی و مدیریت درآمدهای نفتی آن‌ها می‌پرداخت (Biden & Gelb, 2006: A19).

۵-۵. افزایش جنگ‌های قومی- مذهبی و رشد فرقه‌گرایی

ما شاهد هستیم که افراط‌گرایی نتیجه‌ای جز رشد خشونت نداشته است. از این‌رو، ممکن است جنگ فرقه‌ای تمام خاورمیانه را به آشوب بکشانند. در گفتمان افراط‌گرایی عربی، این عقیده‌ای اساسی است که شیعیان مسلمان واقعی نیستند و نیز به دنبال تضعیف و در نهایت حذف ایدئولوژی اهل سنت می‌باشند که در دیدگاه سلفی‌ها تنها نسخه فکری باقیمانده از اسلام واقعی است (Abdo, 2015: P. 6). همین مسئله باعث شده که دستیابی سلفی‌های جهادی به قدرت، موجب افزایش فرقه‌گرایی و خطر بروز جنگ‌های تمام‌عیار مذهبی در خاورمیانه شود.

۶-۵. بحران انسانی، افزایش شمار آوارگان و خطرات ناشی از آن

یکی از مشکلات ناشی از افراط‌گرایی و خشونت‌های ناشی از آن، افزایش شمار مهاجران و پناهندگان به کشورهای همسایه بوده است. این مسئله به‌طور بالقوه می‌تواند زمینه ایجاد ناامنی و بروز مشکلات دیگری باشد. براساس گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۱۵، سه میلیون عراقی در نتیجه جنگ داخلی آواره شده‌اند که بالاترین و سریع‌ترین نرخ آواره شدن مردم در جهان در سال است (ICRC, 2015/12/29).

هم‌چنین، براساس آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در ژانویه ۲۰۱۶، تعداد پناهندگان ثبت شده سوری تا ۱۹ ژانویه ۲۰۱۶، برابر با ۳۶۳,۶۰۳,۴ نفر بوده است. سه کشوری که بیشترین آواره سوری را در خود جا داده‌اند به ترتیب عبارتند از: ترکیه، لبنان و اردن (UNHCR, 2016/1/19). این در حالی است که از عوامل اصلی که به‌طور بالقوه می‌تواند یک کشور را در معرض جنگ داخلی قرار دهد، جنگ داخلی در کشور همسایه است.

۶-۷. عواقب ناشی از تداوم افراط‌گرایی در خاورمیانه

از جمله عواقب افراط‌گرایی ناشی از فعالیت داعش، مشکلاتی است که برای انسان‌های بازمانده از جنگ پیش می‌آید. براساس گزارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد، در نتیجه درگیری‌های خاورمیانه و شمال آفریقا بیش از ۱۳ میلیون کودک از ادامه تحصیل محروم شده‌اند. در همین گزارش آمده است که ۸۸۵۰ مدرسه در سوریه، عراق، یمن و لیبی به دلیل آسیب، تخریب یا استفاده شدن به‌عنوان پناهگاه یا تصرف توسط گروه‌های نظامی به‌طور کامل قابل استفاده نیستند و از جمله مهم‌ترین دلایل آن نیز، فعالیت‌های تروریستی و خشونت‌بار گروه‌های تکفیری بوده است. به‌گونه‌ای که از چند میلیون کودک محروم از آموزش در خاورمیانه، حدود ۷,۲ میلیون سوری، ۳ میلیون عراقی، ۲ میلیون لیبیایی و ۹,۲ میلیون نفر یمنی هستند (UNICEF, 2015).

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد:

- الف. ظهور سلفیه و نوسلفیه ریشه در مبانی نظری و فقهی اهل سنت و وقایع بزرگ تاریخی دارد.
- ب. نقش مؤلفه جهاد به‌عنوان مهم‌ترین اصل عملی در ظهور نوسلفیه بسیار برجسته است.
- ج. این تحول از نزد سلفیه قدیم با تحول از اصل دعوت به‌عنوان اصل عملی به اصل عملی جهاد هموار شده است.
- د. مبادی نظری- فقهی اهل سنت همچون تقدم نقل بر عقل، ردّ تأویل کتاب و سنت، قاعده تبعیت (اتباع) در مقابل ابتداع (بدعت)، خود مرجع انگاری (اجتهادگریزی) و رفتار شبکه‌ای در قیاس با سلفیه اجتهادی در تقویت این تحول نقش مهمی ایفا نموده است.
- هم‌چنین در بخش غیر نظری و بعضاً عینی پژوهش نشان داده شد:
- الف. تحول از اصل عملی دعوت به جهاد خود زمینه‌ساز تنوع ستیزش جهادی به: ستیزش واکنشی/ ستیزش ایدئولوژیک و ستیزش فرقه‌ای گردیده است.
- ب. در سه نوع ستیزش یاد شده دو نوع اول غالباً نسبت به جوامع غیرمسلمان و نوع سوم در جوامع مسلمان روی داده است.

ح. ستیزش اول و دوم تقریباً در همه جریان‌های سلفی مورد قبول بوده است. لیکن به نظر می‌رسد ستیزش نوع سوم از ابداعات نوسلفیه است. آمارها نیز برداشت پژوهشگر را تأیید می‌کند، مبنی بر اینکه جهاد و خشونت نوسلفیه، چندین برابر نسبت به جوامع غیرمسلمان، جوامع مسلمان را مورد هدف قرار داده است. نئوسلفی‌ها پس از آن‌که بخش گسترده‌ای از مسلمانان غیرسلفی را در جرگه کفر قرار دادند، ریختن خون ایشان را نیز فریضه می‌دانند. آن‌ها این کشتار را نوعی «جهاد» معرفی می‌کنند.

در مجموع باید گفت تحول در مفهوم جهاد زمینه‌ساز خشونت مضاعف هم در جوامع مسلمان و غیرمسلمان شده و به ظهور بحران‌های مهمی چون افزایش منازعات منطقه‌ای، احتمال بروز جنگ بین‌المللی، بی‌ثباتی سیاسی، افزایش قدرت گروه‌های تکفیری تروریستی، تجزیه‌طلبی و از بین رفتن تمامیت ارضی کشورها، افزایش جنگ‌های قومی-مذهبی و فرقه‌گرایی، بحران انسانی و افزایش شمار آوارگان و خطرات ناشی از آن و نیز ایجاد زمینه‌های تداوم افراط‌گرایی در منطقه منجر شده است.

منابع

۱. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹). گفتمان اسلام سلفی، جهانی شدن و امنیت خاورمیانه. *مطالعات راهبردی*، شماره ۵۰: ص ۱۷۵-۱۹۴.
۲. اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶). بازشناسی اندیشه سیاسی القاعده. *راهبردی مطالعات جهان اسلام*، شماره ۳۰-۳۱: ص ۷-۲۹.
۳. خراسانی، محمد (۱۳۹۳). روش و عمل نوسلفی‌گری. قم: کنگره بین‌المللی مخاطرات تکفیر.
۴. ذاکری، مهدخت (۱۳۹۵). بربریت مدرن: تأملی بر اکنون و آینده داعش. تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
۵. ذوالفقاری، سید محمد (۱۳۹۲). درآمدی بر جنبش سلفی در مصر، پیش و پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱. *پژوهش‌های منطقه‌ای*. شماره ۱۰: ص ۲۱۱-۲۴۶.
۶. رشیدی، احمد (۱۳۹۴). درآمدی بر رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی - مقایسه‌ای در پژوهش‌های علوم سیاسی. *سیاست*، ۴۵ (۲): ص ۴۵۷-۴۷۴.
۷. رودسری، جواد (۱۳۹۴). امارت تاریکی. مشهد: موسسه فرهنگی هنری خراسان.
۸. سید نژاد، سید باقر (۱۳۹۰). رویکردشناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی‌گری. *فلسفه دین*، شماره ۱۱: ص ۱۳۱-۱۶۰.
۹. سیفی، عبدالحمید؛ پورحسن، ناصر (۱۳۹۶). گسترش نوسلفی‌گری در اروپا؛ زمینه‌های هویتی و پیامدهای امنیتی. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۵ (۲۰): ص ۱۸۸-۱۶۳.
۱۰. شهبازی، علی (۱۳۹۸). *فراسوی سازمان و ایدئولوژی داعش*. تهران: انتشارات اریش.
۱۱. عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۸). بنیادگرایی اسلامی و خشونت. *سیاست (دانشکده حقوق و علوم سیاسی)*، دوره ۳۹، شماره ۴: ص ۱۰۹-۱۲۸.
۱۲. عبدالسلام فرج، محمد (۱۹۸۱). *الجهاد فريضة الغائبة*. قاهره: بی‌نا.
۱۳. عبدالملکی، سعید (۱۳۹۶). تحلیل روان‌شناختی پدیده داعش با تأکید بر روان‌شناسی سیاسی. تهران: انتشارات علم.
۱۴. علی‌زاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۴). جریان‌شناسی سلفی‌گری. روابط فرهنگی، *سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی*، ۱ (۱): ص ۲۸-۱۱.

۱۵. فیرحی، داوود (۱۳۸۷). مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی. سیاست، شماره ۳۸: ص ۱۳۱-۱۵۹.
۱۶. فیرحی، داوود (۱۳۹۰). فقه و سیاست در ایران معاصر. تهران: نشر نی.
۱۷. کرم‌زادی، مسلم (۱۳۹۵). سلفی‌گرایی جهادی - تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه. پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام، شماره ۱: ص ۱۱۳-۱۴۲.
۱۸. گزارشی جامع از تاثیر مستقیم و غیرمستقیم تروریسم در ۱۶۲ کشور جهان (۱۳۹۳/۹/۲۱). سایت باشگاه خبرنگاران جوان. قابل دسترس در: <https://b2n.ir/233711>
۱۹. محمدی، حجت‌الله (۱۳۹۶). نقد و بررسی آراء و جنایات داعش. تهران: انتشارات نظری.
۲۰. نقوی، حسین (۱۳۸۴). سلفی و سنی: در آراء و احوال سلفیان. ضمیمه خردنامه همشهری، شماره ۷۱: ص ۷-۶.
21. Abdo, Geneive (2015). **Salafists and Sectarianism: Twitter and Communal Conflict in the Middle East**. Washington, D.C.: Center for Middle East Policy at Brookings.
22. Bernard, Haykel (2009). **Salafi Groups**. In: *The Oxford Encyclopedia of the Islamic World*. John L. Esposito (ed). Oxford: Oxford University Press.
23. Biden, J.R. & Gelb, L.H. (2006). Unity through autonomy in Iraq. *New York Times*, <https://www.nytimes.com/2006/05/01/opinion/01biden.html>
24. Buchanan, Rose Troup (17 Nov 2015). **Paris attacks: Isis responsible for more Muslim deaths than western victims**. Available in: <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/paris-attacks-isis-responsible-for-more-muslim-victims-than-western-deaths-a6737326.html>
25. Chaliand, Gérard & Arnaud, Blin (2007). **The History of Terrorism from Antiquity to AlQaeda**. Translated by Edward Schneider, Kathryn Pulver, Jesse Browner. California: University of California Press.
26. Global Terrorism Index (2014). **MEASURING AND UNDERSTANDING THE IMPACT OF TERRORISM**. Available in: <http://economicsandpeace.org/wp-content/uploads/2015/06/Global-Terrorism-Index-Report-2014.pdf>
27. Herrera, Jack (18 Mar 2019). **MOST TERRORIST VICTIMS ARE MUSLIM**. Available in: <https://psmag.com/news/most-terrorist-victims-are-muslim>
28. Hurwitz, Leon (1973). Contemporary Approaches to Political Stability. *Comparative*

- Politics*, Vol. 5, No. 3: P. 449-463. DOI: 10.2307/421273
29. ICRC (International Committee of the Red Cross). **Iraq: Highest number of displaced in 2015**. Available in: www.icrc.org/en/document/iraq-highest-number-displaced-2015
30. Katzman, Kenneth (2014). **Iraq Crisis and U.S. Policy Washington**. Published by Congressional Research Service. Reports are available in:
https://www.everycrsreport.com/files/20140721_R43612_3596902a1c3296642fb7f5d6531d3edd96b765b3.pdf
31. Kepel, Gilles (2002). **Jihad: the trail of political Islam**. Cambridge, Mass: Belknap Press of Harvard University Press. https://archive.org/details/jihad00gill_0
32. Lia, Brynjar (2015). Understanding Jihadi Proto-States. *Perspectives on Terrorism*, Vol 9, No.4. P. 31-41.
33. Messner, J.J. (2015). **Fragile States Index 2015**. Washington: The Fund for Peace. Available in: <https://fundforpeace.org/wp-content/uploads/2018/08/fragilestatesindex-2015.pdf>
34. Oosterveld, W. & et.al. (2017). The Rise and Fall of ISIS: From Evitability to Inevitability. Hague Centre for Strategic Studies. Retrieved 23 April 2020, from www.jstor.org/stable/resrep12613.
35. Pollak, Kenneth & Walter, Barbara (2015). Escaping the Civil War Trap in the Middle East. *The Washington quarterly*, Vol.38: P. 29-46.
36. Rajan, V.G. Julie (2015). **Al Qaeda's Global Crisis: The Islamic State, Takfir and the Genocide of Muslims**. Routledge.
37. Rhodes, D. (2014). **Salafist-Takfiri Jihadism: The Ideology of the Caucasus Emirate**. International Institute for Counter-Terrorism.
<http://makhatertakfir.com/File/Article/SalafistTakfiri%20Jihadism%20the%20Ideology%20of%20the%20Caucasus%20Emirate.pdf>
38. Salafism Infiltrates Turkish Religious Discourse. Middle East Institute. Retrieved 16 February 2018. Available in: <https://www.mei.edu/publications/salafism-infiltrates-turkish-religious-discourse>
39. **Salafism: Politics and the puritanical**. The Economist, 27 June 2015. Retrieved 29 June 2015. <https://www.economist.com/middle-east-and-africa/2015/06/25/politics-and-the-puritanical>

40. Tucker, S.C. & Roberts, P. (Eds.) (2008). **The Encyclopedia of the Arab-Israeli Conflict: A Political, Social, and Military History** [4 volumes]: A Political, Social, and Military History. Abc-Clio. Book Available in: <https://b2n.ir/037019>
41. Turner, John A. (2014): **Religious Ideology and the Roots of the Global Jihad: Salafi Jihadism and International Order**. Basingstoke: Palgrave Macmillan, London. 10.1057/9781137409577.
42. UNHCR (2016). **The UN Refugee Agency**. Available in: <https://www.unhcr.org/5943e8a34.pdf>
43. UNICEF (2015). **Education under Fire. How conflict in the Middle East Is depriving children of their schooling**. Available in: <https://www.unicef.org/mena/reports/education-under-fire>

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2020.116987.1466

قانع، محمد؛ اسلامی، سعید؛ سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۹). مقایسه تحول نگرش به مفهوم جهاد در سلفیه به نوسلفیه و بررسی تأثیر آن بر تحولات سیاسی خاورمیانه. *سیاست متعالیه*، ۸(۲۸): ص ۲۶۵-۲۸۶